

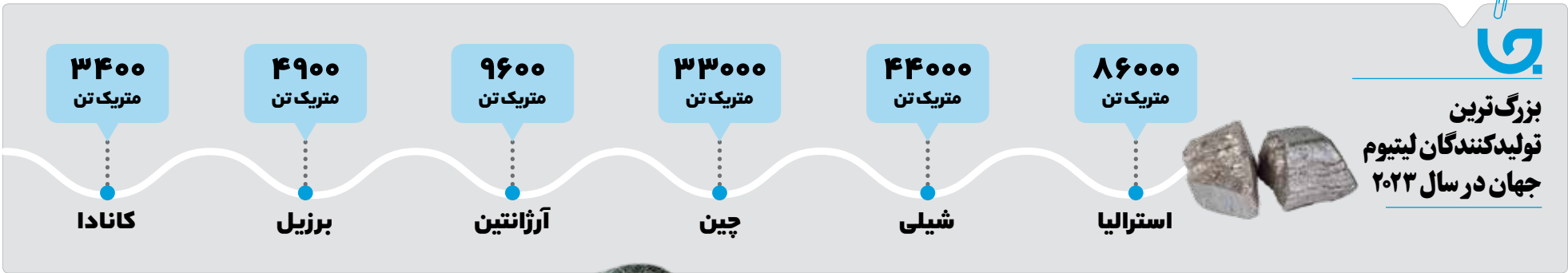
اقتصادبین‌الملل

افزایش مالیات؛ راهکار صهیونیست‌ها برای تامین هزینه جنگ طلبی

کاهش رتبه اعتباری رژیم صهیونیستی چنان عواقبی برای این رژیم دارد که از روز جمعه گذشته که این کاهش توسط موسسه مودیز اعلام شد تا به امروز رسانه‌های صهیونیستی تحلیل‌های متعددی در مورد عواقب آن منتشر کرده‌اند. روزنامه صهیونیستی «تايمز او اسرائيل» طی گزارشی نوشت، با تشدید نبرد با حزب‌با... و کم‌رنگ شدن چشم‌انداز راهبرد آتش‌بس، موسسه مودیز در مورد پیامدهای اقتصادی بلندمدت جنگ جاری هشدار داده و فضایی از عدم اطمینان را توصیف کرده که برای سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی مضر است. موسسه مودیز برای دومین بار در سال جاری رتبه اعتباری اسرائیل را این بار دو پله کاهش داده و بر این نکته تاکید دارد که هزینه جنگ از میدان نبرد فراتر رفته است و بر اعتبار این رژیم تاثیر منفی می‌گذارد. مودیز می‌گوید که این کاهش دوبله‌ای بسیار غیرمعمول است و نتیجه کاهش کیفیت نهادها و حکمرانی رژیم صهیونیستی در مدیریت مالی کابینه و افزایش هزینه‌ها در دوره جنگ بوده است. اعلامیه مودیز درست زمانی منتشر شد که در یک حمله هوایی گسترده، اسرائیل، سید حسن نصر... رهبر حزب‌با... را ترور کرد. رتبه اعتباری این تیر، افزایش بدهی را برای کابینه اسرائیل گران‌تر می‌سازد؛ چراکه ریسک بازپرداخت‌ها را در زمانی‌که به میلیارد‌ها شکل برای تامین هزینه‌های جنگ نیاز دارد، افزایش می‌دهد؛ سرمایه‌گذاران برای وارد کردن سرمایه خود در سرزمین‌های اشغالی با خطر بیشتری مواجه هستند. به نوشته این گزارش، برای تامین مالی پرداخت بهره بیشتر بدهی‌های رویه‌رشد این رژیم و رشد کسری بودجه ناشی از افزایش هزینه‌ها دفاعی و غیرنظامی مرتبط با جنگ، مالیات‌ها باید افزایش یابد. با توجه به افزایش ریسک اعتداری، کسب‌وکارها باید بهره بیشتری برای وام‌های خود بپردازند که هزینه‌ها را بالا می‌برد و در نهایت به افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان منجر خواهد شد؛ بنابراین، به نظر نمی‌رسد که نرخ تورم سالانه که در ماه آگوست به ۳/۶ درصد افزایش یافته و بالاتر از هدف یک تا سه درصدی کابینه این رژیم بود، در ماه‌های آینده کاهش یابد.



بهای معاملات نفت برنت برای تحویل در دسامبر، در معاملات روز گذشته بازار جهانی تغییر چندانی نداشت و با ۱۳ سنت افزایش، به ۷۱ دلار و ۸۳ سنت در هر بشکه و بهای معاملات وست تگزاس اینترمدیت آمریکا برای تحویل در نوامبر، با ۱۴ سنت افزایش، به ۶۸ دلار و ۳۱ سنت در هر بشکه رسید. نفت برنت در سپتامبر، ۹ درصد کاهش داشت که سومین کاهش ماهانه و بزرگ‌ترین کاهش ماهانه از نوامبر ۲۰۲۲ بود. این شاخص بازار جهانی در سه ماهه سوم، ۱۷ درصد نزول کرد که بزرگ‌ترین کاهش سه‌ماهه در یک سال اخیر بود. وست تگزاس اینترمدیت هم ۷ درصد در سپتامبر و ۱۶ درصد در سه ماهه سوم کاهش یافت. نگرانی‌ها نسبت به رشد عرضه جهانی نفت هم بر قیمت‌ها تاثیر کاهشی داشت. قیمت نفت هفته گذشته پس از انتشار گزارشی مبنی بر این‌که عربستان سعودی آماده‌ها کردن هدف قیمت غیررسمی ۱۰۰ دلار برای نفت خام و افزایش تولید می‌شود، کاهش یافت.



تحقق برنامه هفتم در گرو رشد ۸ درصدی اقتصاد

رشد اقتصادی سالانه ۸ درصد در برنامه هفتم دیده شده است این هدف در سه برنامه توسعه قبلی هم آمده بود، اما محقق نشد

میانگین رشد اقتصادی ایران در بلندمدت حدود ۳ درصد بوده و این درحالی است که در برنامه‌های پنج ساله چهارم تا ششم رشد ۸ درصدی هدف‌گذاری شده بود که محقق نشد؛ با این حال امسال سال نخست اجرای برنامه هفتم است و هدف رشد ۸ درصدی در این برنامه هم آمده است. تحقق این رشد نیازمند الزاماتی است که اقتصاد ایران در شرایط کنونی آن را ندارد. این موضوع و چرایی عدم تحقق رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه گذشته را با وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی بررسی کردیم که در ادامه می‌خوانید.

رشد اقتصادی ایران در بلندمدت (۵۰ سال گذشته) بین ۲ تا ۳/۷ درصد بوده که سهم بهروری در این رشد نزدیک صفر بوده است. به عبارتی این نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت عمدتاً از سرمایه‌های فیزیکی و تولید مواد خام و صادرات آن حاصل شده است. از برنامه توسعه چهارم به بعد هدف رشد اقتصادی ۸ درصد تعیین شده، ولی طی برنامه‌های توسعه بعدی با تحقق این هدف، فاصله زیادی افتاده است. بدتر این‌که در برنامه‌های توسعه، رشد اقتصادی کم و کمتر هم شد، به‌طوری‌که در برنامه‌های پنجم و ششم میانگین رشد اقتصادی کمتر از ۴ درصد بوده است. دولت در برنامه هفتم برای تحقق رشد ۸ درصدی اقتصاد برنامه‌ای آورده بود که در هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت از حیث مغایرت و انطباق با سیاست‌های کلی بررسی شد و ایرادات عدیده‌ای داشت. به‌هیچ عنوان امکان تحقق رشد اقتصادی با برنامه دولت و مجلس وجود نداشت، لذا به پیشنهاد هیات عالی نظارت مجمع، ماده ۱۱۹ به برنامه هفتم افزوده شد که براساس آن دولت باید ۲۶ برنامه نظیر برنامه ارتقای بهروری، برنامه تامین مالی رشد اقتصادی ۸ درصد، برنامه اقتصاد دانش بنیان و برخی دیگر از الزامات آن را حداکثر یک سال پس از ابلاغ برنامه فراهم کند و اقدامات قانونی تصویب این ۲۶ برنامه را طی کند. تا زمانی که الزامات رشد ۸ درصدی فراهم نشود برنامه هفتم هم به سرنوشت برنامه‌های گذشته دچار خواهد شد.

چرا این هدف محقق نشده است؟ آسیب‌شناسی دقیق و درستی باید انجام دهیم که چرا رشد‌های گذشته اقتصاد ایران پایین بوده است. رشد اقتصادی حاصل سه سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. یعنی اگر اقتصاد‌های جهان را بررسی کنیم رشد اقتصادی حاصل ترکیب این سه سرمایه است. مانند یک هواپیمای سه موتور است. مواد خام مثل نفت خام، ماده معدنی و... سرمایه‌های فیزیکی است. سرمایه انسانی هم نیروهای انسانی دانشور و تحصیلکرده هستند که در دانش بنیانی اقتصاد و پیشتاری این بخش خیلی مهم است. سرمایه‌های اجتماعی هم به هویت، اعتماد و هرگونه مسأله‌ای که باعث تقویت ملی، همبستگی و افزایش اعتماد شود، ارتباط دارد. این هواپیما در اقتصاد ایران عمدتاً با یک موتور و آن هم به صورت نیم بند پرواز می‌کند. یعنی متکی به نفت و مواد خام بوده است. نقش نفت در رشد اقتصادی چقدر است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد رشد اقتصادی بسیار متکی به نفت و تکیانه‌های قیمتی و مقداری نفت بوده است و به سرمایه انسانی، سرمایه‌های اجتماعی و نقش دانش و بهروری در رشد اقتصادی بی‌توجه بوده‌ایم. البته در مورد سرمایه‌های انسانی بارها در کشور صحبت شده، ولی تاکنون به مرحله اجرا نرسیده و نقش و سهم سرمایه‌های انسانی در رشد اقتصادی ناچیز است. درحالی‌که برای رشد اقتصادی و ارتقای بهروری باید به این امر بیشتر توجه کنیم.

نقش تامین منابع (سرمایه) در تحقق رشد اقتصادی بالاچقدر است؟

مسأله بعدی این است که برای رشد اقتصادی به سرمایه و منابع مالی نیازمندیم که این موضوع هم مغفول مانده است. باین حال باید بخشی از رشد اقتصادی از محل بهروری رخ دهد. مثلاً در برنامه هفتم آمده که ۲/۸ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصادی (حدود ۳۵ درصد) از محل بهروری باشد. اما ارتقای بهروری نیازمند برنامه است و اگر کشوری می‌خواهد از محل بهروری پیشرفت کند، باید ساختارهای اقتصادی آن بر پایه تقویت بخش خصوصی، رقابت‌پذیری در اقتصاد، جذب ایده‌ها، خلاقیت و ساماندهی نظام ملی نوآوری باشد. درحالی‌که اقتصاد ایران درگیر انحصارها و شبه دولتی‌هاست و بیش از ۷۰ درصد آن درگیر یک فضای انحصاری شبه دولتی و غیررقابتی است. بخش دیگری از منابع باید از سرمایه‌های داخلی و خارجی جذب و تامین شود اما فضای کسب و کار نامناسب و محیط اقتصاد کلان

بی‌ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیری در اقتصاد ایران ایجاد کردیم، درحالی‌که سال‌ها برای بهبود محیط کسب و کار شعار دادیم، اما محیط کسب و کار ما، یک محیط ناسالم، بر از بروکراسی‌های پیچیده و مبتنی بر رشوه و آشنابازی و پیچیدگی‌های روزافزون است. محیط بی‌ثبات اقتصاد کلان اجازه سرمایه‌گذاری بلندمدت را نمی‌دهد؛ به عبارتی نااطمینانی‌های شدیدی در داخل اقتصاد ایران درست کردیم که اجازه جذب سرمایه را نمی‌دهد.

اصل ۴۴ قانون اساسی هدفش این بود که بخش خصوصی و تعاونی قدرتمند شود. چرا این اتفاق نیفتاد؟ وقتی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شد، رهبری از آن به عنوان انقلاب اقتصادی نام بردند و قرار بود بخش تعاون و بخش خصوصی توسعه پیدا کنند، ولی در مرحله اجرا شاهد ظهور شبه دولتی‌ها در اقتصاد ایران بودیم که شرایط به مراتب از دولت هم بدتر شده است. اقتصاد ایران در جنبه شبه دولتی‌ها اسیر شده و این نوع اقتصاد نمی‌تواند بهره‌ور محور و محرک رشد اقتصادی باشد.

نقش تحریم‌ها در عدم تحقق رشد ۸ درصدی و نرخ‌های پایین رشد اقتصادی کشورمان چقدر است؟ تحریم‌ها هم به این نااطمینانی‌ها دامن زده است. نااطمینانی‌های بیرونی در کنار یک محیط نامطلوب اقتصاد کلان داخلی (ضعف محیط کسب و کار و غیررقابتی) موجب شده تا نااطمینانی‌های اقتصاد کلان ما روزبه‌روز بیشتر شود و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. به ندرت شاهد این هستیم که افرادی تمایل به سرمایه‌گذاری در دوره‌های بلندمدت در اقتصاد ایران داشته باشند. این موضوع، امکان تامین مالی و سرمایه‌گذاری را کاهش داده

اداره می‌شود و نتوانستیم رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را ایجاد کنیم و هنوز اقتصاد ایران با ادبیات اقتصاد نوین دانش محور فاصله دارد. البته بنده ناخی حل مسأله تحریم‌ها نیستیم و دولت‌ها باید تلاش کنند تحریم‌های ظالمانه برداشته شود، ولی بخش عمده‌ای از مشکلات، چالش‌ها و آسیب‌های درون اقتصاد ایران صرفاً با رفع تحریم حل نمی‌شود. حتی مذاکرات بدون حل مسائل داخلی اقتصاد شبیه این است که امتیازات فراوانی باید به طرف مقابل بدهید، زیرا دست‌تان خالی است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و درون‌زاسازی اقتصاد و برون‌گرایی آن هیچ کدام عملیاتی نشده است. البته تحریم‌ها نقش دارد، ولی سهم عمده مشکلات ما به ضعف ساختارها و نهادهای درون اقتصاد ایران برمی‌گردد که باید اصلاح شود و به تصمیمات سخت، تیم اقتصادی مقتدر و آگاه، همدلی و همراهی مردم و برنامه محوری نیاز دارد.

و به رشد اقتصادی ایران به شدت آسیب رسانده است.

بر اساس سند چشم‌انداز قرار بود اقتصاد ایران، رتبه نخست منطقه را داشته باشد، چرا به این هدف نرسیدیم

و وضعیت همسایگان ما چگونه بوده است؟

متأسفانه ما رشد‌های خوبی را تجربه نکردیم اما و همسایگان ما رشد‌های خوبی را تجربه کردند، به‌طوری‌که پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی عربستان و ترکیه در ۱۰ سال آینده به بالای ۴/۵ تا ۵ درصد باشد و این یک تلنگر دوباره را به ما وارد می‌کند که فاصله اقتصاد ایران با رقبای منطقه‌ای زیاد شده است. اقتصاد ایران، ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۰ از منظر تولید ناخالص داخلی (به قدرت برابری خرید) تقریباً نزدیک هم بود، اما وقتی ما رها را بررسی می‌کنیم مشاهده می‌شود که درحال حاضر اقتصاد ترکیه در این مدت دو برابر و اقتصاد عربستان ۴۰ درصد بزرگ‌تر از اقتصاد ایران شده است. این موضوع بسیار ناراحت‌کننده است و اگر دیر بجنبیم در آینده فاصله اقتصادی ایران با رقبای بیشتر هم خواهد شد تاخیر در اصلاحات نهادی و ساختاری ممکن است موجب شود

از اقتصاد منطقه‌ای حذف شویم.

الزامات تحقق رشد اقتصادی ایران در چیست؟

بخشی را عنوان کردم اما نیازمند یک اصلاحات ساختاری و نهادی هستیم تا بهبود محیط کسب و کار، تقویت رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، محیط دانش بنیانی اقتصاد ملی و تقویت بنیان‌های یک اقتصاد بهره‌ور محور محقق شود و تا زمانی‌که این شرایط فراهم نشود و اصلاحات ساختاری و نهادی اجرا نگردد و موتور پیشرفت اقتصادی برپایه بخش خصوصی و تعاونی استوار نشود، و همچنان در فضایی مسموم و آلوده در این اقتصاد نقش آفرینی کنند.

با توجه به صحبت‌های شما آیا همچنان اقتصاد ما به نفت وابسته است یا سهم آن کاهش یافته است؟

به نفت وابسته است یا سهم آن کاهش یافته است؟

نفت و مشتقات نفتی و دیگر مواد خام مثل معدن هنوز سهم بزرگی از اقتصاد دارند. در مقابل دانش، سرمایه‌های انسانی، صادرات فناوری و دانش بنیانی اقتصاد سهم بسیار کوچکی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده‌است. سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران کمتر از ۱۵ درصد و سهم تعاونی‌ها هم حدود ۳ درصد است. به عبارتی بیش از ۸۰ درصد اقتصاد ایران در اختیار شبه دولتی‌ها و نهادهای غیر بخش خصوصی است. اگر نتوانیم تغییراتی در اقتصاد ایران بدهیم، این اقتصاد آماده ورود به فضای نوین اقتصاد نیست و نخواهد بود.

ردیف	موضوع مناقصه	برآورده مناقصه (درایال)	مبلغ تضمین شرکت (بر فرایند ارجاع کار (درایال)	تاریخ جلسه توجیه استناد (جلسه توجیهی)	مهلت قبول پیشنهادها	تاریخ بازگشایی پیشنهادها
۱	تهیه طرح و توزیع غذای کارکنان عملیاتی (۳۲۰۴)	۳۸۸۳۹,۱۷,۷۴۴	۱,۹۲۱,۹۵۵,۸۹۰	۱۴۰۳/۰۷/۲۰ ساعت ۱۰ صبح	۱۴۰۳/۰۸/۰۶ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ ساعت ۸ صبح	تاریخ بازگشایی پیشنهادها
۲	نوع تضمین					
۳	تاریخ انتشار در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت					
۴	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت					
۵	محل کشایش پیشنهادها					
۶	شرایط عمومی و مدارک مورد نیاز برای شرکت در مناقصه					
۷	تاریخ چاپ آگهی					

تاریخ جلسه توجیه استناد: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ و نوبت دوم آگهی روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران - منطقه شاهرود

ردیف	موضوع مناقصه	برآورده مناقصه (درایال)	مبلغ تضمین شرکت (بر فرایند ارجاع کار (درایال)	تاریخ جلسه توجیه استناد (جلسه توجیهی)	مهلت قبول پیشنهادها	تاریخ بازگشایی پیشنهادها
۱	تهیه طرح و توزیع غذای کارکنان عملیاتی (۳۲۰۴)	۳۸۸۳۹,۱۷,۷۴۴	۱,۹۲۱,۹۵۵,۸۹۰	۱۴۰۳/۰۷/۲۰ ساعت ۱۰ صبح	۱۴۰۳/۰۸/۰۶ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ ساعت ۸ صبح	تاریخ بازگشایی پیشنهادها
۲	نوع تضمین					
۳	تاریخ انتشار در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت					
۴	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت					
۵	محل کشایش پیشنهادها					
۶	شرایط عمومی و مدارک مورد نیاز برای شرکت در مناقصه					
۷	تاریخ چاپ آگهی					

تاریخ جلسه توجیه استناد: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ و نوبت دوم آگهی روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران - منطقه شاهرود